



چکیده

رسم الخط ویژه قرآن کریم که از آن با عنوان «رسم المصحف» یاد می‌شود، علاوه بر اینکه یکی از علوم قرآنی مصطلح محسوب می‌شود، به

جهت ارتباط مستقیمی که با متن و نگارش کلام الهی دارد، عموم مسلمانان نیز در مرحله آموزش، قرائت و مراجعه به قرآن با آن مواجه می‌شوند و بر این اساس سؤالات و شبهاتی در ارتباط با آن مطرح می‌کنند. مقاله حاضر پس از بیان مختصر تاریخچه کتابت قرآن، به ارائه تعریف رسم المصحف و پیشینه به کارگیری آن در کتابت قرآن پرداخته است و به بیان دیدگاه علمای اسلام در ارتباط با شبهاتی می‌پردازد که در مورد رعایت قواعد آن در نگارش کلام نورانی خدای متعال مطرح گردیده است و آن‌گاه قواعد اساسی رسم المصحف بیان می‌گردد.

کلید واژه‌ها

قرآن؛ کتابت قرآن؛ رسم المصحف؛ رسم الخط قرآن؛ قرائت قرآن.

بودنش در زمان حاضر، در بسیاری از زمینه‌ها در عصر نزول قرآن کریم مبهم است بنابراین، با در نظر گرفتن مسائل و شواهد گوناگون و استناد به دلایل عقلی در صدد تبیین این امر هستیم.

با نزول آیه یا سوره‌ای بر رسول اکرم، آن حضرت گروهی را به کتابت بخش نازل شده امر می‌فرمودند تا کلام خدا از کاستی و زیادی مصون بماند. هر چند خداوند متعال خود را متکفل حفظ قرآن از تحریف می‌داند،^۱ اما راه این محافظت را مسلمانان و وسایل معمول قرار داده است.

علاوه بر قدرت حافظه خیره‌کننده و فوق‌العاده اعراب آن زمان، مهم‌ترین راه نگهداری قرآن، نگارش کلام الهی بوده است. حفظ و نگارش به مثابه دو بازوی مختلف در این موضوع هستند؛ گاهی حافظه به کمک نوشتن می‌آید و گاه عکس آن رخ می‌داد. هر چند حافظان قرآن متعدد بوده‌اند، اما طریق «حفظ»، روشی فردی و شخصی محسوب می‌گردید. در مقابل، «کتابت» روشی اثرگذارتر و فراتر از اشخاص در نگهداری قرآن از زیاده و کاهشها است.

کاتبان وحی در عصر رسالت

منابع، تعداد و نام کاتبان وحی را مختلف ذکر نموده‌اند. برخی شمار ایشان را چهارده تن، گروهی بیست و شش نفر^۲ و عموماً بیش از چهل کس^۳ دانسته‌اند. در این میان، نام تعدادی از صحابه بیشتر ذکر گردیده است: امام علی بن

کتابت قرآن در زمان رسول خدا (ص)

بیش از آنکه در باره «رسم المصحف» سخن بگوییم، لازم است از کتابت قرآن در صدر اسلام و مهم‌ترین ویژگی‌های آن سخن گفته شود؛ امری که در عین روشن

نگارشی به رسم الخط قرآن کریم (رسم المصحف)

گروهی بیست و شش نفر
کتابت قرآن در صدر اسلام



ابی طالب (ع)،^۵ عثمان بن عفان؛ ابی بن کعب،^۶ عبدالله بن مسعود،^۷ زید بن ثابت،^۸ عبدالله بن سعد بن ابی سرح^۹ و معاویه بن ابی سفیان.^{۱۰} بنا بر مطالب ذکر شده، هر یک از کاتبان وحی غیر از نسخه‌ای از قرآن که برای خود نگارش می‌کردند، به کتابت نسخه دیگری نیز می‌پرداخت و در منزل رسول خدا (ص) قرار می‌دادند.^{۱۱} توجه به این نکته ضروری است که عنوان «کاتب وحی» نمی‌تواند برای کسی برتری و فضیلتی محسوب گردد. عالم بزرگ شیعه مرحوم شیخ صدوق پس از اشاره به حال معاویه و عبدالله بن سعد، می‌فرماید: «کاتب وحی بودن به تنهایی موجب فضیلت نیست؛ همان‌گونه که در باره عبدالله بن سعد بن ابی سرح نقل شده است ... و در این امر، حکمت رسول خدا (ص) مشخص می‌شود ...»^{۱۲}

ادوات کتابت قرآن

هر چند وسایل مختلفی برای کتابت قرآن در آن عصر برشمرده‌اند، اما مهم‌ترین وسیله نگارش، «قرطاس» (کاغذ) بود. استفاده از این لفظ در قرآن و در سوره مبارکه انعام، که مکی است گویای این امر است که این وسیله مورد استفاده و مانوس بودن آن حتی برای مردم بی‌سواد و بی‌با نگر است.^{۱۳} وسیله دیگر «قلم» است که در قرآن به آن اشاره شده است.^{۱۴} از جمله دیگر ادوات کتابت عبارت است از:

مداد به معنای مرکب؛^{۱۵} صُحُفْ به معنای برگه‌های کاغذ قابل استفاده برای نگارش؛^{۱۶} عُسْبُ یعنی چوبه‌های درخت نخل؛ لِحَاف یعنی سنگهای سفید نازک و ظریف؛ اکتاف یعنی استخوانهای شانه شتر یا گوسفند؛ اِقْتَاب یعنی چوبهای محمل روی شتر؛ رِقاَع یعنی برگه‌های کاغذ، درخت یا پوست حیوانات؛ حَریر یعنی پارچه؛ اَدیم یعنی پوست یا چرم دباغی شده.^{۱۷}

اما مهم‌ترین وسیله برای کتابت مصحف، کاغذ یا ورقه‌های نازک پوست بوده وسایر مواردی که ذکر شد، صرفاً وسایلی بوده که در برخی موارد بر روی آن کتابت می‌شده است. دقیقاً مانند اینکه شخصی سنگ قبر اموات را در گورستانهای امروزی ببیند و تصور کند وسیله نگارش در قرن پانزدهم هجری، سنگ است یا تابلوهای پارچه‌ای یا فلزی آیات قرآن را ملاحظه نموده و وسیله نگارش را پارچه و رنگ یا فلزات بداند.

اما با توجه به حجم آیات و سوره قرآن، اگر کسی می‌خواست کل قرآن را روی سنگ کتابت کند، حجم سنگ زیاد می‌گردید بنابراین نمی‌توانست آنها را حفظ نماید. براین اساس برای استفاده از آن، ترتیب و نظم خاصی به آن می‌داد؟!

در هر حال، غیر از کاغذ و مرکب، کاربرد بقیه وسایل موردی و مقطعی بوده و به هیچ وجه جنبه عمومیت و شمول نداشته است.

نوع خط و ویژگیهای خط و کتابت قرآن در صدر اسلام

بنابر تحقیق برخی از محققان، نوع خط در زمان رسول اکرم (ص) «خط کوفی» بوده است. منشأ خط کوفی شهر حیره قدیم (کوفه فعلی) است. پس از ورود خط کوفی به جزیره العرب تقریباً تمام متون با این خط نوشته می‌شدند. هر چند نسخه مکتوبی از قرآن که قطعاً در دوران پیامبر مکرم اسلام (ص) کتابت شده باشد، موجود نیست، اما دیگر

علاوه بر قدرت حافظه خیره‌کننده و فوق‌العاده اعراب آن زمان، مهم‌ترین راه نگهداری قرآن، نگارش کلام الهی بوده است. حفظ و نگارش به مثابه دو بازوی مختلف در این موضوع هستند؛ گاهی حافظه به کمک نوشتن می‌آمد و گاه عکس آن رخ می‌داد. هر چند حافظان قرآن متعدد بوده‌اند، اما طریق «حفظ»، روشی فردی و شخصی محسوب می‌گردید. در مقابل، «کتابت» روشی اثرگذارتر و فراتر از اشخاص در نگهداری قرآن از زیاده و کاهشهاست



علاوه بر اینکه نه تنها هیچ مصحف کاملی از دوران رسول اکرم (ص) به جای نمانده است و تنها مصاحف ناقص یا صفحاتی از قرآن منسوب به این زمان در موزه‌ها نگهداری می‌شود؛ بلکه در هیچ کتابی هم نگارش تمام کلمات قرآن از مصاحف این برهه تاریخی نقل نشده است و تنها نقلیهایی با شک و تردید، از این دوره وجود دارد

متون مکتوب از آن دوران، همانند نامه‌های آن حضرت به برخی از پادشاهان و سران کشورها، گواه ویژگی‌هایی است که تحقیقات مختلف نیز آنها را تأیید می‌کند.^{۱۸}

مهم‌ترین ویژگی‌های خط کوفی و نگارش عربی با توجه به کتابت قرآن در آن دوران، چنین است:

۱- خط کوفی مورد استفاده در آن زمان بسیار ساده و به دور از پیچیدگیها بوده است. این خط، متشکل از حروف و کلمات بسیار ابتدایی بود و به همین جهت، در برخی از موارد حروف شبیه به هم نوشته می‌شدند. کافی بود اندازه دندان‌ها حرف ضاد کمی بلندتر شود تا به حرف ظاء شبیه شود و یا برعکس آن.^{۱۹} همچنین اگر قسمت پایینی حرف واو کشیده شده و به حرف بعدی نزدیک می‌شد، به حرف فاء شبیه می‌شد و خلاف آن نیز مشکل‌آفرین بوده است.^{۲۰}

۲- برای تمایز حروف متشابه در الفبای عربی از علامت تمیزهای استفاده نمی‌شد؛ مثلاً حروف باء، تاء، ثاء یکسان نگاشته می‌شدند و حالت غیر آخر آنها با حروف نون، یاء خوانا و یاء پایه همزه در میان کلمه همسان نوشته می‌شد.^{۲۱}

۳- علایم و حرکات حروف نگاشته نمی‌شد و اصل حروف کلمه، بدون نقطه و اعراب نوشته می‌شد؛ لذا کلمه‌های نظیر «نزل» به صورت‌های مختلفی از قبیل «ینزل، ینزل،

ینزل، ینزل، ینزل، ینزل و ...» می‌توانست خوانده شود. البته توجه به مفهوم کلمه در جمله می‌توانست تا حدودی به قرائت صحیح کلمه کمک کند.^{۲۲}

۴- صدای کشیده الف از میان بسیاری از کلمات دارای چهار حرف و بیشتر حذف می‌شد. به عنوان نمونه کلمات «مالک» (حمد: ۴)، «العالمین» (حمد: ۲)، «الولدان» (واقعیه: ۱۷) به صورت «ملک»، «العلمین»، «الولدن» نگارش می‌شد.

۵- صدای کشیده در کنار حرف همجنس خود، معمولاً از خط حذف می‌شد؛ مثلاً کلمات «أمتهم» (اعراف: ۱۲۳)، «الغاوون» (شعراء: ۲۲۴)، «یستحیی» (بقره: ۲۶) به صورت «امتهم العاون، یستحی» نوشته می‌شد.

۶- همزه بدون پایه، نمادی در کتابت نداشت و به طور کلی از خط حذف می‌شد؛ مثلاً کلمات «جاء» (نصر: ۱) و «شیء» (انعام: ۱۴۸) به صورت «حاء، سی» نگاشته می‌شد.

۷- موارد استثنایی و خاص در رسم الخط قرآن متعدد بود. از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: حذف حرف؛ نظیر «قل» به جای «قال» (انبیاء: ۱۱۲) و «ابرهیم» به جای «ابراهیم» (بقره: ۱۲۴).

افزایش حرف؛ همانند «لسای» به جای «لشیء» (کهف: ۲۳) و «ملائهم» به جای «ملاهم» (یونس: ۸۳). موصول نوشتن کلمات مفصول؛ همانند «انما» به جای «ان ما» (انفال: ۴۱) و «الو» به جای «ان لو» (حج: ۱۶). مفصول نوشتن کلمات موصول؛ همانند «کل ما» به جای «کلما» (نساء: ۹۱) و «فی ما» به جای «فیما» (شعراء: ۱۴۶).

تبدیل حرفی به حرف دیگر؛ همانند «رحمت» به جای «رحمه» (اعراف: ۵۶) و «اییم» به جای «ایام» (ابراهیم: ۵).

براساس مطالب ذکر شده چنین استنباط می‌گردد که از مصحف مکتوب تنها شخصی می‌توانست استفاده نماید که حافظ قرآن یا حداقل حافظ نسبی آیات و سور قرآن بود بنابراین افرادی که آشنایی قبلی با قرآن کریم نداشتند، استفاده از مصحف برایش مشکل و بلکه غیرممکن بود.

معنای لغوی و تعریف اصطلاحی رسم

فیروزآبادی (م ۸۱۷ ق) در بیان معنای لغوی رسم چنین گفته است:

«الرسم: رکیه تدفنها الارض، و الاثر، او بقیته، او ما لا شخص له من الآثار.»

«رسم یعنی چاهی که زمین، آن را در خود پوشانده و مستور کرده است و نیز، اثر و نشانه یا باقی مانده آن یا اثر و نشانهای که مرتفع نبوده، تقریباً با زمین هم سطح باشد.»^{۲۳}



از دیگر معانی این کلمه «خط و نگارش» است چنانکه رازی (م بعد از ۶۶۶ ق) گوید:

«رسم علی کذا و کذا ای کتب»^{۲۵}

و مارغنی (م ۱۳۴۱ ق) می‌نویسد:

«و یرادف الرسم الخط و الكتابه و الزیر و السطر و الرقم

و الرشم - بالشین المعجمه - ...»

«رسم» با کلمات خط، کتابه، زیر، سطر، رقم و رشم (با

شین) هم‌معناست^{۲۶}

ظاهراً در حدیث شریف علوی «بأی علی الناس زمان

لا یبقی فیہ من القرآن الا رسمه»^{۲۷} نیز رسم به معنای

خط است.

در اصطلاح علوم قرآنی «رسم» (به معنای نگارش) به

دو نوع تقسیم می‌شود:

الف - رسم قیاسی

ب - رسم توقیفی یا رسم‌المصحف

رسم قیاسی، همان چیزی است که امروزه به

آن «املاء» گفته می‌شود. در املاء، اکثر کلمات به

همان ترتیبی که تلفظ می‌گردند، نگارش می‌شوند. البته

نگارش کلماتی همانند «اولئک» با واو زائد یا «مائه» با

الف زاید در املاء بیانگر آن است که حتی در املاء نیز

همیشه نگارش منطبق با تلفظ نیست.

رسم توقیفی عبارت است از «شیوه نگارش

ویژه برخی از کلمات قرآن»^{۲۸} منظور از نگارش

ویژه، نگارش خاصی است که با رسم قیاسی متفاوت است؛

مثلاً طبق قواعد رسم توقیفی کلمه «شیء» فقط در یک

موضع از قرآن کریم (کهف: ۲۳) به صورت «شایء»

نوشته می‌شود. مارغنی در باره تقسیم رسم به قیاسی و

توقیفی چنین می‌گوید:

«الرسم قسمان، قیاسی و توقیفی. و یسمى القسم

الثانی بالاصطلاحی، نسبة لاصطلاح الصحابه رضی الله

عنهم فالرسم القیاسی هو تصویر الکلمه بحروف هجائها

علی تقدیر الابتداء بها و الوقف علیها و لهذا اثبتوا صوره

همزه الوصل و حذفوا التنوین و فیہ تألیف مخصوصه به.

و الرسم التوقیفی علم تعرف به مخالقات خط المصاحف

العثمانیه لاصول الرسم القیاسی.»

«رسم دو نوع است: قیاسی و توقیفی. نوع دوم را، با

توجه به این که اصطلاح و روش صحابه بوده است،

اصطلاحی نیز می‌نامند. رسم قیاسی، عبارت است از

نگارش و ترسیم حروف کلمه با فرض ابتدا از آن کلمه و

نیز با فرض وقف بر آن؛ و به همین خاطر است که همزه

وصل را در کتابت می‌نویسند، ولی (نون ساکنه حاصل از)

تنوین را حذف می‌کنند و در این زمینه کتابهای خاصی

نوشته شده است. رسم توقیفی علمی است که به وسیله

آن، موارد اختلاف خط مصاحف عثمانی با قواعد رسم

قیاسی شناخته می‌شود.»^{۲۹}

وی در ادامه می‌گوید:

«موضوع الرسم التوقیفی حروف المصاحف العثمانیه

من حیث الحذف و الزیاده و الابدال و الفصل و الوصل

و نحو ذلك.»

«موضوع رسم توقیفی، عبارت است از: حروف مصاحف

عثمانی از حیث حذف، زیاده؛ ابدال؛ فصل؛ وصل و امثال

آن»^{۳۰}

در علوم قرآنی، اصطلاحاتی همانند «رسم»، «علم

الرسم»، «رسم‌المصحف» و «رسم‌المصحف العثمانی»

همگی مترادف «رسم توقیفی» هستند.

پیشینه استفاده قواعد علم رسم در کتابت قرآن

امروزه بسیاری از مصاحف در عالم اسلام بر اساس

قواعد «علم رسم» نوشته می‌شوند. اما از ابتدای نگارش

قرآن کریم تا امروز، مسلمانان تا چه میزان به این علم و

قواعد آن پایبند بوده‌اند و نگارش قرآن توسط آنها تا چه

اندازه بر اساس این قواعد صورت می‌گرفته است؟

برای بررسی این امر، به بررسی تاریخ شیوه نگارش

مصحف در شش دوره می‌پردازیم:

۱- دوره رسول اکرم (ص):

علاوه بر اینکه نه تنها هیچ مصحف کاملی از این دوران

به جای نمانده است و تنها مصاحف ناقص یا صفحاتی از

قرآن منسوب به این زمان در موزه‌ها نگهداری می‌شود؛

بلکه در هیچ کتابی هم نگارش تمام کلمات قرآن از

مصاحف این برهه تاریخی نقل نشده است و تنها نقل‌هایی

با شک و تردید، از این دوره وجود دارد.^{۳۱}

شواهد گوناگون بیانگر آن است که در صدر اسلام،

نگارش مصاحف به طور عمومی بر اساس نگارش زبان

عربی آن روزگار بوده است. به عنوان نمونه عرب در

کلماتی که از چهار حرف بیشتر بود، معمولاً الف وسط

کلمه را نمی‌نگاشت و کلمه‌ای همانند «العالمین» به

صورت «العلمین» نوشته می‌شد.

در این جا این سؤال مطرح می‌شود که اگر اصولاً

نگارش کلمات قرآن مطابق املاهای عربی در آن دوران

است؛ پس چرا موارد استثنایی، خاص و بعضاً متناقض

(همانند نگارش کلمات: «قال» (انبیاء: ۱۱۲)، «ابراهیم»

(در سوره بقره)، «لشیء» (کهف: ۲۳) و «تجی» (انبیاء:

۸۸) به صورت: «قل»، «ابرهیم»، «لشایء» و «تجی»)

در رسم‌المصحف متعدد است؟

پاسخ تفصیلی این سؤال در ادامه مباحث بیان خواهد

شد.

۲- در زمان خلفای اول و دوم و خلیفه سوم

تا سال ۲۵ هجری:

در این دوره اثری از علم رسم و یا گزارشی که مبتنی

هر چند نسخه مکتوبی از قرآن که قطعاً در دوران پیامبر مکرم اسلام (ص) کتابت شده باشد، موجود نیست، اما دیگر متون مکتوب از آن دوران، همانند نامه‌های آن حضرت به برخی از پادشاهان و سران کشورها، گواه ویژگی‌هایی است که تحقیقات مختلف نیز آنها را تأیید می‌کند





تأثیر فتوای امام
مالک در عدم تخلف
از هجای قدیمی،
از عمده‌ترین
علل التزام علمای
سرزمینهای غربی
ممالک اسلامی به
علم رسم بوده است

بر شیوه خاص رسم برخی از کلمات قرآنی باشد، دیده نمی‌شود.

۳- در سالهای ۲۵ تا ۳۰ هجری:

براساس آنچه تاریخ‌نویسان آن را نقل نموده‌اند این محدوده زمانی، زمان «جمع قرآن یا توحید مصاحف» توسط خلیفه سوم است.

در روایات مربوط به جمع قرآن در زمان عثمان، به دو نوع نگارش (روش عمومی مطابق با رسم الخط آن زمان و روش خاصی که آن را صحابه بر اساس دیدگاه عثمان انجام داده‌باشند) اشاره‌ای نشده است. تنها نقلی مبنی بر نگارش کلمه «التابوت»^{۳۳} وجود دارد که مطابق آن، زمانی که بین زید بن ثابت و سایر افرادی که در کتابت مصحف نقش داشتند^{۳۳} در نگارش این کلمه اختلاف به وجود آمد که، بنا به دستور عثمان، مطابق زبان قریش به صورت «التابوت» نگاشتند.^{۳۴}

هر چند علمای قرون بعدی (و به طور عمده دانشمندان قرون سوم و چهارم هجری) وقتی به بررسی مصاحف زمان خود یا مصاحف قبل از زمان خودشان پرداختند و رسم موجود در آنها را مغایر با رسم الخط رایج زمان خود یافتند، تصور کردند در زمان عثمان هم دو روش کتابت موجود بوده است: یکی روش متداول در نگارش عربی و دیگری روش خاص قرآن کریم؛ لذا گفته‌اند: چون صحابه از این روش خاص پیروی کرده‌اند و املائی متداول عربی را در نگارش قرآن به کار نبرده‌اند و تبعیت از صحابه هم واجب است پس املائی متداول عربی در کتابت قرآن نباید به کار رود.^{۳۵}

ابوعمر و دانی (م ۴۴۴ ق) به اسناد خود از مالک (م ۱۷۹ ق) چنین نقل می‌کند:

«سئل مالک، فقیل له: ارایت من استکتب مصحفاً الیوم، اتری ان یکتب علی ما احدث الناس من الهجاء الیوم؟ فقال: لا اری ذلک، و لکن یکتب علی الکتبه الاولی.»

«از مالک سؤال شد: به نظر شما اگر امروزه کسی قرآن بنویسد، آیا می‌تواند براساس روشی بنویسد که مردم در این روزگار ایجاد کرده‌اند؟ مالک گفت: نه، بلکه باید به همان روش نخستین بنویسد.»^{۳۶}

از این عبارت چنین استنباط می‌گردد که تا اواسط قرن دوم، دو روش کتابت وجود نداشته است که یکی مختص قرآن و دیگری برای سایر نوشته‌ها باشد؛ بلکه در دوران صحابه یک روش وجود داشته و آن همان است که در نگارش قرآن نیز به کار می‌رفته است؛ اما به مرور زمان خط تکامل پیدا کرد و قواعد جدیدی برای نگارش وضع گردید و به تدریج نگارش جدید از نگارش قدیم (که در مصاحف به کار می‌رفته) متمایز گردید.

۴- از سال ۳۰ هجری تا اوایل سده پنجم (زمان تألیف کتاب «المقنع»):

با توجه به گفته مالک درمی‌یابیم که در این دوره به تدریج دوگانگی در نگارش قرآن به وجود آمد. یک روش، روش قدیمی و سنتی بوده و دیگری روشی که به مرور زمان بر اثر کامل خط و نضح علمی مثل علم نحو و به طور کلی علوم عربی در کنار روش قدیمی، خودنمایی می‌کرده است. لذا عدماهی به تدریج به امر نگارش اهتمام ورزیدند؛ مثل «نافع» (م ۱۶۹ ق) که ابوعمر و دانی برخی از اقوال مربوط به رسم را به او نسبت می‌دهد.^{۳۷} البته با دقت در مواردی که از نافع و غیر او نقل شده است، در می‌یابیم که بیشتر موارد، مواردی است که دو نوع نگارش در آن کلمه، باعث اختلاف در قرائت آن کلمه می‌شود؛ مثل: «و ما یخْدَعُونَ» (بقره: ۹) که نافع، ابن‌کنین و ابوعمر و «و ما یُخَادِعُونَ» خوانده‌اند.^{۳۸} بنابر این، می‌توان گفت که اهتمام به «رسم» نه به دلیل خود رسم؛ بلکه به دلیل ارتباط آن با قرائت بوده و لذا پرداختن به رسم در واقع نوعی اهتمام به قرائت بوده است. پس به هیچ وجه بعید نیست که دیگر قراء سبعة هم که به «رسم» اهتمام ورزیده‌اند، به این جهت بوده باشد؛ مثل ابن‌عمر (م ۱۱۸ ق) در کتاب المقطوع و الموصول فی القرآن یا ابوعمر و بصری (م ۱۵۴ ق) در کتاب مرسوم المصحف.^{۳۹} از آنجا که این کتابها به ما نرسیده و در طول تاریخ از بین رفته است، نمی‌توان به طور قطع درباره محتوای آنها سخن گفت.

یکی از قدیمی‌ترین کتب موجود در این دوره که به رسم مصاحف پرداخته است، کتاب المصاحف سجستانی (م ۳۱۶ ق) است. وی در حدود ده صفحه^{۴۰} از کتاب خود را به نقل نگارش کلمات قرآن اختصاص داده است. در بین این کلمات، بعضی از کلمات یافت می‌شوند که شیوه نگارش آنها در قرائتشان دخیل است، ولی رسم اکثر این کلمات صرفاً جنبه نگارشی دارد. البته در فصل اختلاف مصاحف،^{۴۱} آنچه را که عملاً منجر به اختلاف قرائت می‌شود یا اختلاف قرائت در آنها وجود دارد ذکر نموده است. بنابر این، در اوایل قرن چهارم، نگارش کلمات و رسم آنها، نه به خاطر ارتباط آن با قرائت؛ بلکه رسم به عنوان خود رسم، مورد توجه واقع شده است و چنانکه اشاره شد، بعضی از علماء از جمله: مالک، بر این عقیده بوده‌اند که نباید با شیوه قدیمی و کهن نگارش قرآن (چه در زمینه رسم و چه در زمینه ضبط) مخالفت شود.

از این مطلب، می‌توان نتیجه گرفت که التزام مالک به رسم، خوف از تحریف بوده است نه قداست «رسم المصحف». غیر از مالک، احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ق) نیز بر این فتوا است که قرآن باید با هجای قدیمی نوشته شود؛ چنانکه سیوطی (م ۹۱۱ ق) می‌نویسد: «قال الامام احمد: تحرم مخالفه المصحف الامام فی واو او یاء او الف او غیر ذلک.»

«امام احمد گفته است: حرام است مخالفت کردن با مصحف امام در واو یا یاء یا الف یا غیر از آن.»^{۴۲}

۵- از اوایل سده پنجم (زمان تألیف «المقنع») تا اوایل قرن چهاردهم:

در این فاصله، در سرزمینهای غربی ممالک اسلامی، این علم روز به روز تکامل بیشتری پیدا کرد و کتب بسیاری در این باره به رشته تحریر درآمد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

— کتاب *التنزیل* تألیف ابوداود سلیمان بن نجاج (م ۴۹۶)

(ق)

— *قصیده عقيله اتراب القصائد فی اسنى المقاصد*

از طرف دیگر، برخی مصاحف باقی‌مانده از این دوره، مثل مصحف ابن‌یوآب (م ۴۲۳ ق و بنا بر قولی ۴۱۳ ق) که در سال ۳۹۱ هجری نوشته شده است، به هیچ وجه به قواعد علم رسم پایبند نیستند و این امر از عدم التزام خطاطان آن دوره به علم رسم حکایت می‌کند؛ چرا که اگر این کار، یعنی مخالفت با قواعد علم رسم حرام بود، خطاط معروفی مثل ابن‌یوآب به این سادگی جرأت نمی‌کرد برخلاف قواعد این علم، مصحف بنویسد.

آنچه ذکر شد، مربوط به تحول و تطور علم رسم در سرزمینهای شرقی ممالک اسلامی بود. از طرف دیگر در مغرب^{۴۳} این امر بر عکس بوده است.

با بررسی مسیر قرائت و رسم در سرزمینهای غربی، سه نکته قابل توجه و تامل است:

الف) مذهب مالکی در سرزمینهای غربی رواج داشته است.

ب) قرائت در سرزمینهای غربی بیشتر براساس قرائت نافع بوده است.

ج) علم رسم در سرزمینهای غربی بسیار جدی تلقی شده و رواج داشته است.

اولین کسی که قرائت نافع را در اندلس وارد کرد، شخصی به نام غازی بن قیس (۱۹۹ ق) است.^{۴۴} وی در هنگام تألیف کتاب *موطأ* توسط مالک نزد او حضور داشته و اولین کسی است که این کتاب را به اندلس برد^{۴۵} و در واقع مروج مذهب مالکی در اندلس بوده است. مالک در علم قرائت شاگرد نافع بوده^{۴۶} و نافع نیز در فقه، شاگرد مالک بوده است.^{۴۷}

سعید اعراب درباره شهرت قرائت نافع در سرزمینهای غربی اسلامی می‌گوید:

«و ربما كان لانتشار المذهب المالکی بهذه الدير اثر لذلك.»

«و چه بسا انتشار مذهب مالکی در مغرب در شهرت قرائت نافع در آنجا بی‌تأثیر نباشد.»^{۴۸}

براساس مطالب ذکر شده و همچنین این نکته که کتاب غازی بن قیس یکی از منابع مهم ابوعمر و دانی در المقنع^{۴۹} است، می‌توان چنین گفت که تأثیر فتوای امام مالک در عدم تخلف از هجای قدیمی، از عمده‌ترین علل التزام علمای سرزمینهای غربی ممالک اسلامی به علم رسم بوده است. زرقانی (م قرن ۱۴ ق) در مورد کتابت قرآن بر اساس قواعد عربی به صراحت می‌گوید:

«تجامه اهل المغرب بناء علی قول الامام مالک.»

«اهل مغرب از این کار (کتابت قرآن بر اساس قواعد جدید املاء)، به خاطر گفته امام مالک، پرهیز می‌کردند.»^{۵۰}

به هر حال، چه به دلیل فتوای امام مالک و چه به دلیل دیگری که از آن اطلاعی نداریم، علم رسم در سرزمینهای غربی به تدریج رشد و نمو کرد، تا زمانی که دانی به عنوان نقطه اوج این رشد مطرح گردید.

تا اواسط قرن دوم، دو روش کتابت وجود نداشته است که یکی مختص قرآن و دیگری برای سایر نوشته‌ها باشد؛ بلکه در دوران صحابه یک روش وجود داشته و آن همان است که در نگارش قرآن نیز به کار می‌رفته است؛ اما به مرور زمان خط تکامل پیدا کرد و قواعد جدیدی برای نگارش وضع گردید و به تدریج نگارش جدید از نگارش قدیم (که در مصاحف به کار می‌رفته) متمایز گردید



سروده شاطبی (م ۵۹۰ ق). این قصیده، به نظم درآمده کتاب «المقنع» است.^{۵۱}

— منظومه *مورد الظمان* که خراز (م ۷۱۸ ق) آن را در قرن هفتم و اوایل قرن هشتم در علوم رسم و ضبط سروده است.

— منظومه *الاعلان بتکمیل مورد الظمان* که ابن‌عاشر اندلسی (م ۱۰۴۰ ق) آن را در تکمیل *مورد الظمان* سروده است.

— *دلیل الحیران علی مورد الظمان*، شرح سروده *مورد الظمان* است که ابراهیم بن احمد مارغنی تونسوی آن را



نوشته است.^{۵۲}

— تنبیه الخلان علی الاعلان بتکمیل مورد الظمان، شرح سروده الاعلان بتکمیل مورد الظمان است که ابراهیم مارغنی آن را نوشته است.^{۵۳}

بر این اساس علم رسم از زمان دانی (یعنی از اوایل قرن پنجم) تا اوایل قرن چهاردهم در سرزمینهای غربی ممالک اسلامی بسیار رواج داشته، ولی در مقابل در سرزمینهای شرقی، به این وسعت رایج نبوده است. هر چند تألیفات مهمی در این باره در شام، مصر، حجاز و ایران صورت گرفته است که می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

— الوسيله الی کشف العقیله، تألیف علم الدین سخاوی (م ۶۴۳ ق.) او از علمای دمشق و شاگرد شاطبی بوده است.

— تلخیص الفوائد و تقریب المتباعد، تألیف ابن قاصح بغدادی مصری (م ۸۰۱ ق.) این اثر، شرح العقیله شاطبی است.

— در کتاب النثر فی القراءات العشر، ابن الجزری (م ۸۳۳ ق) به رسم پرداخته و نکاتی در باره آن بیان کرده است.

بر این اساس، می توان گفت: این علم در کتابت قرآن در سرزمینهای شرقی تأثیر بسزایی نداشته است و مصاحف بدون رعایت تمامی قواعد علم رسم نوشته شده اند می توان مصاحف زیر را برشمرد:

— مصحف به خط حافظ عثمان (م ۱۱۱۰ ق)، خطاط معروف عثمانی

— مصحف به خط احمد نیریزی (م ۱۱۵۵ ق)، خطاط معروف ایرانی

— مصحف به خط محمد امین رشدی (م ۱۲۳۶ ق)، خطاط معروف عثمانی

زرقانی در این باره می گوید: «و اما کتابته، ای: المصحف، علی ما احدث الناس من الهجاء فقد جرى علیه اهل المشرق بناء علی کونها ابعث من اللبس و تحاماه اهل المغرب بناء علی قول الامام مالک.»

«اهل مشرق قرآن را به روش جدید، رسم الاملاء یا رسم قیاسی، کتابت می کردند و دلیلشان این بود که در این شیوه خطا و اشتباه کمتر رخ می دهد، ولی اهل مغرب به خاطر فتوای امام مالک (مبنی بر توقیفی بودن رسم المصحف)، از این امر پرهیز می کردند.»^{۵۴}

۶- از اوایل قرن چهاردهم هجری تا زمان حاضر:
در اوایل قرن چهاردهم هجری، یکی از علمای الازهر مصر به نام شیخ رضوان بن محمد، مشهور به المخلاطی (م ۱۳۱۱ ق) مصحفی مطابق با رسم و بر اساس دو کتاب معروف این علم، یعنی المقنع تألیف ابو عمرو دانی و التنزیل تألیف سلیمان بن نجاح، کتابت کرد. این مصحف در سال

۱۳۰۸ هجری در قاهره به چاپ رسید و مورد استقبال اهل علم قرار گرفت.^{۵۵} در سال ۱۳۵۵، از طرف علمای مصر، و جوب التزام به «رسم المصحف» در کتابت قرآن ابراز گردید.^{۵۶}

بدین ترتیب «رسم المصحف» در سرزمینهای شرقی ممالک اسلامی رونقی خاص گرفت و احیا شد.

از جمله کارهای مهمی که در این دوره صورت پذیرفته می توان به تغییر رسم و علایم ضبط، مصحف مشهور به سلطانی به خط مصطفی نظیف (م ۱۳۳۱ ق) اشاره نمود. در این مصحف، مواردی که خلاف قواعد «رسم» کتابت شده بود، تغییر یافت و بدین ترتیب رسم این مصحف طبق یکی از طرق منقول رسم المصحف اصلاح گردید.

در این دوره علمای بزرگی در بلاد شرقی عالم اسلام به دفاع از رسم پرداختند از جمله:

شقیطی (م ۱۲۳۵ ق)، از علمای مکة معظمه، در سال ۱۳۴۲ ق در باره وجوب پیروی از رسم المصحف در کتابت قرآن می نویسد:

«اعلم ان رسم القرآن سنه متبعه باتفاق الاثمه الاربعه بل باجماع سائر المجتهدين ... و ان خفی ذلك علی بعض ابناء الزمان فی البلاد المشرقیه لعدم اعتنائهم غالباً بتدریس علوم رسم القرآن و ان اعتنوا بتدریس تجویده حتی حصل التساهل فی طبع المصاحف و هی مخالفه فی کثیر من الرسم المرسوم المصحف العثماني ...»

«بدان که رسم قرآن بنا بر قول ائمه چهارگانه؛ بلکه به اجماع همه مجتهدان، سنتی است که باید از آن پیروی کرد، ... اگر چه در بلاد شرق این امر بر مردم این دوره مخفی مانده است و این بدان علت است که غالباً به تدریس علوم رسم قرآن توجهی نمی کنند، هر چند به تجوید توجه و عنایت دارند، تا آنجا که در چاپ مصاحف سهل انگاری شده است و بسیاری از مصاحف در موارد زیادی مخالف رسم مصحف عثمانی هستند ...»^{۵۷}

شیخ عبدالفتاح قاضی (معاصر)، از علمای «الازهر» می گوید:

«لما انشئت المطابع فی مصر و غیرها من البلاد الشرقیه کان جل عنايتها بالمصحف الکریم ... غیر ان هذه المطابع - علی کثرتها و اختلافها و عنايتها الفائقه بطبع المصحف - ما كانت تراعی فی طبعه قواعد الرسم العثماني ...»

«زمانی که چاپخانهها در مصر و سایر بلاد شرق پدید آمد، بیشترین همت آنها به چاپ قرآن کریم معطوف گردید... ولی این چاپخانهها با وجود کثرت و تنوع و نیز توجه بسیار زیادشان به چاپ قرآن، رسم عثمانی را در طبع قرآن مراعات نمی کردند؛ بلکه به قواعد جدید املاء تکیه داشتند مگر در اندک کلماتی که براساس قواعد رسم عثمانی عمل می کردند.»^{۵۸}

به اعتقاد شیعه، کتابت قرآن توسط امامان معصوم (ع) و چنانچه نسخه های مکتوب ایشان در اختیار ما بود، از هر دلیل و مدرک دیگری در این باره بی نیاز بودیم



در سال ۱۳۳۶ هجری در شبه قاره هند، کتابی به نام *نثرالمرجان فی رسم نقط القرآن* توسط محمد غوث احمد الارکاتی (م قرن ۱۴ ق) به رشته تحریر درآمد که بیانگر اهتمام علمای مشرق اسلامی نسبت به «رسم المصحف» بود. با این همه، در کشورهایی همانند ایران و ترکیه، همچنان خطاطان بدون رعایت کامل اصول رسم به کتابت مصحف اقدام می کردند.

پاسخ به یک سؤال مهم

سوالی که مطرح است، این است که چرا کلمات متعددی در قرآن کریم، برخلاف سایر موارد مشابه یا به طور استثنایی و خاص کتابت شده اند؟ پاسخهایی که می توان به این سوال داد، این گونه است:

۱- برخی، این موارد و موارد مشابه آن را خطای غیر عمدی کاتبان قرآن در عصر نزول می دانند. کاتبان قرآن ممکن است به جهت نبود قواعد مدون املاء مرتکب چنین خطاهایی شده باشند و یا به خاطر فراموشی و کم توجهی اتفاق افتاده باشد.^{۵۹}

۲- برخی دیگر، چنین مواردی را اسرار محفوظ بین صحابه و خدای متعال می دانند که بر ما مخفی مانده است.^{۶۰}

۳- برخی نیز بر این باورند که وقوع چنین مواردی در قرآن کریم نه خطای کاتبان و نه به عنوان رازی مکتوم و پیچیده تلقی می گردد؛ بلکه می توان آنها را مبتنی بر یکی از موارد ذیل دانست:

- موارد عام، عموماً به جهت تطابق با رسم الخط زمان نزول وحی بوده است و نه تنها اشتباه محسوب نمی شود بلکه کاملاً مطابق املاء و البته املائی آن عصر، تلقی می شود.

- احتمال وجود دستوری خاص از پیامبر اکرم (ص) مبنی بر نگارش خاص برخی کلمات وجود دارد. روایتی از ابن عباس از آن بزرگوار (ص) شاهی بر این احتمال است. وی نقل می کند:

«قال رسول الله (ص): لا تمد الباء الى الميم حتى ترفع السين.»

«رسول خدا (ص) فرمود: (در بسمله) باء را به میم متصل و کشیده نکن تا اینکه سین را (بین آن دو حرف) بالا بیاوری (و مشخص کنی).»^{۶۱}

این نقل، دلالت دارد بر اینکه الف از عبارت «باسم» باید حذف شود و به طور خاص در لفظ شریف بسمله، نگارش به صورت «بسم الله الرحمن الرحيم» است، حال آنکه در سایر موارد، این عبارت به صورت «باسم» نوشته می شود.^{۶۲}

در این صورت می توان پذیرفت که مثلاً اگر «شیء» در تمام قرآن به همین صورت نوشته شده و تنها در یک موضع به صورت «شایء»، توصیه و دستور خاصی در باره کتابت آن وجود داشته است، هر چند به ما نرسیده و تنها نتیجه آن یعنی کتابت کلمه به صورت خاص در دسترس ما قرار گرفته باشد.

در توجیه علت این کتابت خاص می توان گفت: یکی از ابزارهای حفظ قرآن کریم از تحریف ظاهری، ویژگی هایی خلاف عرف متداول است که سبب می شود، همواره مسلمانان و حتی غیرمسلمانان به قرآن اهتمام خاصی ورزند تا کسی به آن ویژگیها تعرض نکند و ساحت قدسی قرآن از تغییر و تبدیل مصون بماند.

همان گونه که در صرف و نحو^{۶۳} قرآن، مواردی بر خلاف عرف ادبیات عرب وجود دارد، در رسم المصحف نیز مواردی این چنین وجود دارد تا اگر کسی قصد دستبرد زدن به آنها و تحریف قرآن را داشت، همگان متوجه گردند و از این کار جلوگیری نمایند.

البته در ارتباط با برخی کلمات که قرائات مختلف در آنها وجود دارد، سخن متفاوت است که در بخش پایانی این مقاله به آن پرداخته خواهد شد.

یکی از ابزارهای حفظ قرآن کریم از تحریف ظاهری، ویژگی هایی خلاف عرف متداول است که سبب می شود، همواره مسلمانان و حتی غیرمسلمانان به قرآن اهتمام خاصی ورزند تا کسی به آن ویژگیها تعرض نکند و ساحت قدسی قرآن از تغییر و تبدیل مصون بماند. همان گونه که در صرف و نحو قرآن، مواردی بر خلاف عرف ادبیات عرب وجود دارد، در رسم المصحف نیز مواردی این چنین وجود دارد تا اگر کسی قصد دستبرد زدن به آنها و تحریف قرآن را داشت، همگان متوجه گردند و از این کار جلوگیری نمایند



علامه حسن زاده
 آملی بر این باور
 است که رسم الخط
 قرآن، سماعی است؛
 نه قیاسی. یعنی
 ما حق نداریم که
 مطابق صرف و
 نحو، قرآن را تغییر
 دهیم؛ به نحوی که
 خلاف رسم الخط
 متعارف شود. مثلا
 ما بعد از او جمع،
 الف می‌گذاریم و
 در بسیاری موارد
 در قرآن، بعد از او
 جمع، الف ندارد.
 ما حق نداریم الف
 بگذاریم. بعضی
 جاها، بعد از او
 مفرد، الف آمده؛
 حق نداریم آن
 را حذف کنیم. اگر
 جایی ناء گرد آمده
 یا کشیده، باید
 به همان صورت
 محفوظ بماند؛ یعنی
 همان طور که زمان
 پیامبر گرامی اسلام
 (صلی الله علیه و آله)
 مکتوب شده، کسی
 حق ندارد تغییر و
 تبدیل کند

نظر علمای مذاهب اسلامی و مراکز قرآنی در خصوص رسم المصحف

نظر علمای شیعه در باره رسم المصحف

قبل از بررسی نظر علمای شیعه، به این نکته مهم اشاره می‌کنیم که به اعتقاد شیعه، کتابت قرآن توسط امامان معصوم (ع) و چنانچه نسخه‌های مکتوب ایشان در اختیار ما بود، از هر دلیل و مدرک دیگری در این باره بی‌نیاز بودیم.

از آن رو که علما و مفسران شیعه کتاب یا اثری مستقل درباره رسم المصحف تألیف نکرده‌اند (یا به ما نرسیده است) ^{۶۴}، به منظور دستیابی به نظریات ایشان در این خصوص، به تحقیق و بررسی آثار و تفاسیر آنان پرداختیم. به این دلیل از میان این آثار، ۱۷ اثر مهم از قرون متفاوت انتخاب و بررسی گردید که به ترتیب زمانی عبارت‌اند از:

- تفسیر القمی، تألیف ابوالحسن علی بن ابراهیم قمی (م ۳۲۹ ق)
 - غرر الفوائد و درر القلائد، معروف به امالی المرتضی؛ تألیف علی بن حسین موسوی معروف به سید مرتضی (م ۴۳۶ ق)

- التبیان الجامع لعلوم القرآن، معروف به التبیان فی تفسیر القرآن، تألیف ابوجعفر محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق)

- مجمع البیان لعلوم القرآن، معروف به مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تألیف ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸ ق)

- جوامع الجامع، تألیف ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸ ق)

- رُوحُ الْجَنَانِ وَ رُوحُ الْجَنَانِ، تألیف جمال‌الدین ابوالفتح حسین بن علی بن محمد بن احمد خزاعی رازی (م ۵۵۰ ق)

- منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تألیف مولی فتح‌الله کاشانی (م ۹۷۷ ق)

- الصافی فی تفسیر کلام‌الله، تألیف مولی محسن محمد بن مرتضی فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ ق)

- البرهان فی تفسیر القرآن، تألیف سید هاشم بن سلیمان بحرانی (م ۱۱۰۷ ق)

- نورالتقلین، تألیف عبد علی بن جمعه عروسی حویزی (م ۱۱۱۲ ق)

- کنز الدقائق و بحر الغرائب، تألیف میرزا محمد بن محمد رضا قمی مشهدی (م ۱۱۲۵ ق)

- تفسیر القرآن الکریم، تألیف سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق)

- تفسیر القرآن الکریم، تألیف شهید سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق)

- المیزان فی تفسیر القرآن، تألیف علامه سید

محمدحسین طباطبایی (م ۱۴۰۲ ق)
 - اطیب‌البیان، تألیف سید عبدالحسین طیب (م ۱۳۷۰ ق)

- تفسیر نمونه، تألیف ناصر مکارم شیرازی در این آثار، سه بخش: مقدمه، تفسیر سوره حمد و برخی کلمات دارای رسم خاص، بررسی گردید.

اقوال و نظر برخی از مفسران و علمای شیعه در باره رسم المصحف

۱- شیخ ابوالفتح رازی می‌فرماید:
 «ما لهُؤْلَاءُ» ^{۶۵} در مصاحف لام جدا می‌نویسند. علت معتمد آن است که اتباعا للمصحف متابعت مصحف را که به خط صحابه چنین یافته‌اند. ^{۶۶}

«جملة قراء، اکن» ^{۶۷} خوانده‌اند به جزم؛ مگر ابوعمرو که او خوانده «اکون» به واو و نصب نون عطفاً علی قوله «فاَصْدَقْ». ابوعمرو را گفتند: چرا واو در مصحف‌ها نیست؟ گفت: از کتابت بیفتاد؛ چنانکه فی قولهم کلمن و الاصل کلمون بیفتاد. ^{۶۸}

۲- میرزا ابوالحسن شعرانی می‌فرماید:

«در مصاحف کلماتی بر خلاف رسم معهود نوشته‌اند و از عصر اول تاکنون، غالباً بدان مقید بودند و آن را تغییر ندادند، برای آن‌ه توهم تحریف در قرآن نشود و به اعتقاد ما، حفظ آن واجب است برای همین غرض. و مذاهب اهل سنت را فعلاً حاضر ندارم ولیکن غالب مصاحف آنها، مراعات رسم‌الخط اصلی را کرده و بعضی مانند قرآن معروف حافظ عثمان، در پاره‌ای مواضع تخلف نموده است. هر چه موافق رسم‌الخط معهود آن زمان بوده در زمان ما تغییر کرده است، باز باید همان رسم قدیم را محفوظ داشت؛ الا آنکه الف اشباع را برای حفظ از غلط در تلفظ مراعات کرده، حفظ لفظ را مهم‌تر از حفظ نقش کتاب شمرد. ^{۶۹} ... بعضی پندارند چون این خصوصیات تعبدی از طرف پروردگار نیست، مراعات آن واجب نیست و به نظر من برای حفظ قرآن واجب است؛ هر چند رسم‌الخط دیگر به از آن باشد؛ چنانکه اگر دیوار مسجدی را کج بنا کنند، باید به همان صورت نگاه داشت. اما علامات خط، مثل همزه به صورت سر عین و تشدید و اعراب، به هر صورت مجاز است. ^{۷۰}»

همچنین ایشان در پاورقی تفسیر رُوحُ الْجَنَانِ وَ رُوحُ الْجَنَانِ می‌فرماید:

«آنچه در قرآن برخلاف قاعده خط نوشته‌اند، غرض، متابعت قرآنهای زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و صحابه است تا از تحریف و تصحیف مأمون باشد؛ از جمله «ما لهُؤْلَاءُ» که لام حرف جر را از «هُؤْلَاءُ» جدا می‌نویسند و علت دیگر که به تکلف ابداع کنند، معتبر نیست و نظیر این در قرآن بسیار است. ^{۷۱}»
 «وجود کلمه «هذان» در قرآن، دلیل بزرگی است بر



عدم تحریف؛ چون اگر بنای قراء بر اعمال رأی و سلیقه و مراعات قواعد بوده، حتماً این کلمه را تغییر می‌دادند و «هذین» می‌کردند؛ اما بنا بر سماع بوده است.»^{۷۳}

۳- شهید سید مصطفی خمینی چنین می‌فرماید:

«فی حذف همزة «بسم الله»: كانوا یکتبون قبل الاسلام و بعده هكذا: «باسمک اللهم» محافظین علی الهمزة فی الكتابه؛ و بعد ظهور الاسلام و الانقلاب فیما یکتب فی مبادئ المکاتیب، کتبوا هكذا، «بسم الله» حاذفین الهمزة فی مثله... و لا یمكن احتمال الغلط فی الكتابه فی خصوص هذه اللفظه، و إن احتملنا ذلك فی سائر الاغلاط الكتابیه الكثيره الموجوده فی القرآن، و ربما تبلغ أكثر من خمسين مورداً، و انہیناها فی بعض المخطوطات الی أكثر منها ظاهراً؛ لان احتمال اشتباه الکاتب أو عدم اطلاعه علی رسم الخطوط فی الابتداء قریب، و قد بُنی الطبقات اللاحقه علی صیانه تلك الاغلاط؛ لشدّه اهتمامهم بحفظ الکتاب العزیز عن الحوادث و التغيرات و عن معرّضیه القرآن العظیم لوصمه اتهام التحریف، فبادروا الی تلك الکتابه عالمین بانها خارجة عن قانون رسم الخط.»

«در باره حذف همزة بسم الله قبل از اسلام و بعد از آن می‌نوشتند: «باسمک اللهم»؛ در حالی که همزه نوشته می‌شد. بعد از ظهور اسلام و تغییر یافتن آنچه در ابتدای نوشته‌ها به کار می‌رفت، این چنین می‌نوشتند: «بسم الله»؛ یعنی همزه را در امثال آن حذف کردند... و امکان اینکه در کتابت این لفظ اشتباه شده باشد، وجود ندارد؛ در حالی که در مورد سایر غلطها در کتابت قرآن که زیاد هم هست، احتمال اشتباه می‌دهیم، که چه بسا بیش از ۵۰ مورد باشد و نهی می‌کنیم کتابت از روی برخی نوشته‌ها را؛ چرا که احتمال اشتباه کاتب یا عدم اطلاع او از رسم الخط در ابتدا وجود دارد و گروه‌های بعدی این غلطها را حفظ کردند به خاطر شدت اهتمام در حفظ قرآن از حوادث و تغییرات و

همچنین عدم اتهام مخالفین قرآن به تحریف آن. پس به این نوع کتابت مبادرت ورزیدند؛ در حالی که می‌دانستند این نوع کتابت، خارج از قانون رسم الخط است.»^{۷۴}

«و الذی هو التحقيق فی هذا الفرع الفقہی: لزوم المحافظه علی المکتوب الاولی؛ حذراً عن وقوع سائر التصرفات فی الکتاب من أنواع التحریف و غیره، و لعل الکاتب من الاول کتب غلطاً فاستحفظ علیه؛ إرشاداً الی التزام الامّه الاسلامیه علی هذه الشدّه من الحفظ عن التصرفات حتی التیسیر، فتبصر.»

«آنچه در این فرع فقہی مسلم است، لزوم محافظت است بر آنچه در ابتدا نگارش یافته، به خاطر دوری جستن از سایر تصرفات و انواع تحریفات در قرآن. چه بسا کاتبان از همان اول غلط نوشته باشند و سپس به خاطر شدت اهتمام امت مسلمان بر حفظ قرآن از تصرفات حتی اندک، همان غلط حفظ شده باشد.»^{۷۴}

۴- رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره می‌فرماید: «مسأله رسم بسیار مهم است؛ در اینجا دو مطلب مطرح است:

اول اینکه کیفیت نگارش کلماتی که مقرئین قدیمی ذکر کرده‌اند و معین کرده‌اند که این طور نوشته شود؛ مثلاً «ابرهیم» یا «ملک»، یعنی الف را محذوف می‌دانستند، اینها را باید رعایت کرد. در گذشته رعایت نمی‌کردند؛ اینها را باید رعایت کرد. آنها [اهل سنت] تحریف را عیب می‌دانند و درست هم هست. بر خلاف مصلحت است عوض کردن آنها؛ پس باید رعایت شود.

و دوم اینکه مثلاً در کجا الف مقصوره [برای علامت‌گذاری] باشد... این ربطی به رسم الخط ندارد؛ مثلاً کجا جزم باشد؟ کجا بدون علامت؟...»^{۷۵}

۵ - نظر علامه حسن زاده آملی در این باره چنین است: «رسم الخط قرآن، سماعی است؛ نه قیاسی. یعنی ما

اکثر علمای شیعه در باره رسم المصحف و التزام به آن سکوت کرده‌اند؛ به این معنا که خود به این موضوع کمتر پرداخته‌اند یا از آنها کمتر سؤال شده است تا پاسخ منفی یا مثبت به این سؤال بدهند. با این حال، نظر کسانی که در این باره ابراز عقیده کرده‌اند، به طور عمده حفظ رسم المصحف و التزام به آن در نگارش قرآن کریم است



نظر کمیته فتوا درباره چاپ مصحف کریم به روشی که امروزه معمولاً پیروی می‌شود (یعنی کتابت بر اساس قواعد املاء عربی)، این است که قرآن باید مطابق آنچه که ماثور بوده و به ما رسیده است، نوشته شود؛ چرا که قرآن به هنگام نزولش بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بعد از آن، به همان صورت نگاشته شده و هیچ تغییر و تبدیلی در آن ایجاد نگردیده و مصاحف عثمان هم به همان گونه کتابت شده و در شهرهای مختلف توزیع گردیده است تا پیشوا و راهنمای مسلمانان باشد

حق نداریم که مطابق صرف و نحو، قرآن را تغییر دهیم؛ به نحوی که خلاف رسم الخط متعارف شود. مثلاً ما بعد از او جمع، الف می‌گذاریم و در بسیاری موارد در قرآن، بعد از او جمع، الف ندارد. ما حق نداریم الف بگذاریم بعضی جاها، بعد از او مفرد، الف آمده؛ حق نداریم آن را حذف کنیم. اگر جایی تاء گرد آمده یا کشیده، باید به همان صورت محفوظ بماند؛ یعنی همان طور که زمان پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) مکتوب شده، کسی حق ندارد تغییر و تبدیل کند. و این معنا را متأسفانه بعضی از خطاطان که قرآن نوشته‌اند، مراعات نکردند و خیلی غلط وارد قرآن کردند؛ مثلاً «مالک» باید به صورت «ملک» نوشته شود و «مالک» خوانده شود و نمی‌توان بعد از میهم الف گذاشت و به صورت «مالک» نوشت.^{۶۶}

۶- نظر محمدهادی معرفت در باره رسم چنین است: «و هذا رأی جمهور المحققین ذهبوا الی جواز تبدیل الرسم القديم الی الرسم الحاضر بعد أن لم یکن رسم السلف عن توقیف، و إنما هو اصطلاح منهم أو کانت الکتابه فی بداءه أمرها غیر متقنه، أما مع تقدم أسالیب الکتابه و فیها من التوضیح ما یجعل امر القراءه سهلا علی الجميع، فلا بد من تغییر ذاک الرسم الی المصطلح الحاضر الذی يعرفه کافه الاوساط و لیكون القرآن فی متناول عامه الناس، و فی ذلك تحقیق للغرض الذی نزل لاجله هذا الکتاب الخالد لیكون هدی للناس جمیعاً مع الابد.»

«نظر بیشتر محققان بر این است که رسم قدیم (رسم المصحف) مجاز است به رسم حاضر (رسم الاملا) تبدیل شود؛ به دو دلیل: یکی اینکه رسم قدیم توقیفی نبوده؛ بلکه اصطلاح صحابه است و دیگر آنکه قواعد نگارش در بدو امر غیر متقن بوده است. باید توجه داشت که اسلوبهای نگارش قدیم، قرائت را برای بسیاری از مردم آسان نمی‌کند و چاره‌ای جز تغییر رسم قدیم به رسم الاملاً نیست؛ آن رسمی که عموم مردم، که سطح اطلاعات متوسطی دارند، آن را می‌شناسند؛ چرا که باید قرآن مورد استفاده عامه مردم قرار گیرد و این کار باعث محقق شدن هدف نزول این کتاب جاودان که همان هدایت همه مردم تا ابد است، خواهد شد.»^{۶۷}

براساس نظر دانشمندان شیعه و توجه به دلایل مطرح شده آنها، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود:

اکثر علمای شیعه در باره رسم المصحف و التزام به آن سکوت کرده‌اند؛ به این معنا که خود به این موضوع کمتر پرداخته‌اند یا از آنها کمتر سؤال شده است تا پاسخ منفی یا مثبت به این سؤال بدهند. با این حال، نظر کسانی که در این باره ابراز عقیده کرده‌اند، به طور عمده حفظ رسم المصحف و التزام به آن در نگارش قرآن کریم است.

نظر علمای اهل سنت درباره رسم المصحف

به طور کلی، علمای مذاهب گوناگون اهل سنت درباره لزوم تبعیت از رسم المصحف اختلاف نظر ندارند. از بین این علما، امام مالک بن انس و امام احمد بن حنبل سرشناس‌ترین شخصیت‌هایی هستند که با صراحت به وجوب رعایت رسم المصحف فتوا داده‌اند و قبلاً به آن اشاره شد. هر چند از امام ابوحنیفه (م ۱۵۰ ق) و امام شافعی (م ۲۰۴ ق) فتوای صریحی در این باره نقل نشده است، اما در طول تاریخ، علمای حنفی و شافعی بسیاری به وجوب التزام به رسم المصحف فتوا داده‌اند.^{۶۸} همچنین در دوران معاصر، برخی از مراکز علمی و فقهی اهل سنت نیز فتاوایی در این باره منتشر کرده‌اند. در ادامه به برخی از سایر نظریات اشاره می‌شود:

۱- کمیته فتوای مصر

فتوای این کمیته در وجوب التزام به رسم المصحف برای نخستین بار در سال ۱۳۵۵ هجری قمری بدین شرح انتشار یافت:

«و أما طبع المصحف الکریم علی قواعد الرسم الکتابی العادی المتبع الآن، فاللجنة تری لزوم الوقف عند المأثور من کتابه المصحف و هجائه و ذلك لان القرآن الکریم کتب وقت نزوله علی النبی - صلی الله علیه و سلم - و مضى عهده - صلی الله علیه و سلم - و القرآن علی هذه الکتابه لم یحدث فیها تغییر و لا تبدیل و قد کتبت به مصاحف عثمان و وزعت علی الامصار لتکون اماماً للمسلمین و أقر أصحاب النبی - صلی الله علیه و سلم - عمل عثمان - رضی الله عنه - و لم یخالفه أحد فیما فعل واستمر المصحف مکتوباً بهذا الرسم فی عهد بقیه الصحابه و التابعین و تابعی التابعین و الاثمه المجتهدين فی عصورهم المختلفه.»

«اما نظر کمیته فتوا درباره چاپ مصحف کریم به روشی که امروزه معمولاً پیروی می‌شود (یعنی کتابت بر اساس قواعد املاء عربی)، این است که قرآن باید مطابق آنچه که ماثور بوده و به ما رسیده است، نوشته شود؛ چرا که قرآن به هنگام نزولش بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بعد از آن، به همان صورت نگاشته شده و هیچ تغییر و تبدیلی در آن ایجاد نگردیده و مصاحف عثمان هم به همان گونه کتابت شده و در شهرهای مختلف توزیع گردیده است تا پیشوا و راهنمای مسلمانان باشد. به علاوه، اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله)، عمل عثمان را پذیرفتند و هیچ یک از آنان در این عمل با او مخالفت نکردند و نگارش مصحف با این شیوه کتابت در زمان بقیه صحابه و تابعین و پیروان تابعین و علمای بزرگ در زمانهای مختلف نیز ادامه داشته است.»^{۶۹}

۲- مجمع البحوث الاسلامیه (در الازهر): این مجمع در ششمین گردهم‌آیی خود که در سال ۱۳۹۱ قمری برگزار



شد، به مسلمانان سفارش کرد که برای حفظ متن قرآن از تحریفه از رسم المصحف تبعیت کنند.^{۸۰}

۳- هیئته کبار العلماء (در عربستان سعودی): این هیئت در سال ۱۳۹۹ قمری با صدور بیانیه‌ای بر لزوم تبعیت از رسم المصحف تأکید کرد.^{۸۱}

۴- المجمع الفقہی الاسلامی (وابسته به «سازمان جهان اسلام» در مکه مکرمه): این مجمع در سال ۱۳۹۹ قمری، نظر هیئت علمای بزرگ عربستان در مورد التزام به رسم المصحف را تأیید کرده است.^{۸۲}

۵- شیخ رزق خلیل حبّہ (شیخ المقاری سابق مصر): «رسم المصحف العثماني توقيفي. و معنی توقيفي آنه ملزم لمن اراد أن يكتب مصحفاً أن يكتبه بالرسم العثماني الذي في عهد عثمان بن عفان و بإجماع الصحابه و كان بلجنه من بينهما معاويه بن سفيان و ذلك برئاسه زيد بن ثابت كاتب الوحي. و الرسول - صلى الله عليه و سلم - يقول: «أصحابي كالنجوم بأيهم اقتديتم اهتديتم» و يقول: «عليكم بسنتي و سنه الخلفاء الراشدين المهديين من بعدى. عضوا عليها بالنواجذ». أما الرسم الاملائي، فعرضه للتغيير و التبديل في أي وقت. و هذا بالنسبه للمصحف الكامل. و أما الاجزاء و بعض الجمل و الآيات، فقد أجاز العلماء كتابتها في اللواح و غيرها للضعف بالرسم الاملائي تسهيلاً عليهم.»

«رسم مصحف عثمانی، توفیقی است و معنای توفیقی بودن، این است که هر کس می‌خواهد مصحفی بنویسد، باید ملزم به رسم عثمانی باشد که در زمان عثمان بن عفان و با اجماع صحابه توسط گروهی که معاویه بن سفیان در آن حضور داشت و به ریاست زید بن ثابت، کاتب وحی، نوشته شد. و پیامبر، که درود خدا بر او باد، فرمود: «اصحاب من، مانند ستارگان هستند؛ به هر کدام اقتدا کنید، هدایت می‌شوید.» و فرمود: «از سنت من و سنت خلفای راشدین که بعد از من می‌آیند، تبعیت کنید و به آنها تمسک جوئید.»

اما رسم املائی؛ از آن‌رو که در هر زمانی در معرض تغییر و تبدیل قرار دارد، نمی‌توان در کتابت یک مصحف

کامل از آن استفاده کرد؛ اما در اجزاء قرآن و بعضی از جمله‌ها و آیات، علما نوشتن آنها با رسم املائی را به منظور آسان نمودن برای کودکان و نوآموزان اجازه داده‌اند.»

قواعد علم رسم المصحف

قواعد مهم و اساسی رسم عبارت است از:

الف - قاعده حذف:

۱- حذف الف در مواردی از جمله:

۱-۱- حذف الف از یاء نداء؛ مانند: یاایها الناس (بقره: ۲۱)

۱-۲- حذف الف از هاء تنبيه؛ مانند: هانتم (آل عمران: ۶۶)

۱-۳- حذف الف بعد از ضمیر متصل «نا»؛ مانند: نجینکم (بقره: ۴۹)

۱-۴- حذف الف از لفظ جلاله «الله».

۱-۵- حذف الف از کلمه «اله».

۲- حذف یاء در مواردی؛ از جمله:

۲-۱- حذف یاء از کلمات منقوص که تنوین رفع و جر دارند؛ مانند: باغ (بقره: ۱۷۳)، عاد (بقره: ۱۷۳)

۲-۲- حذف یاء ضمیر متکلم و حده از کلماتی هما: اطیعون (آل عمران: ۵۰)، اتقون (بقره: ۱۹۷)، خافون (آل عمران: ۱۷۵)، فارهبون (بقره: ۴۰) (مگر موارد استثنایی).

۳- حذف واو هنگامی که واو مدی در کنار واو دیگری واقع شود؛ مانند: یستون (نحل: ۷۵)، داود (نساء: ۱۶۳).

۴- حذف لام هنگامی که در حرف لام دیگری ادغام شود؛ مانند: البیل (قصص: ۷۱)، الذی (بقره: ۲۲) (مگر موارد استثنایی).

ب - قاعده زیادت (اضافه شدن):

۱- زیادت الف:

۱-۱- در کلیه اسامی جمع مذکر سالم یا در ملحق به جمع مذکر سالم، در حال حذف «نون»، بعد از واو، الف اضافه می‌شود؛ مانند: بنوا اسرائیل (یونس: ۹۰).

نظر بیشتر محققان بر این است که رسم قدیم (رسم المصحف) مجاز است به رسم حاضر (رسم الاملا) تبدیل شود؛ به دو دلیل: یکی اینکه رسم قدیم توفیقی نبوده؛ بلکه اصطلاح صحابه است و دیگر آنکه قواعد نگارش در بدو امر غیر متفن بوده است. باید توجه داشت که اسلوبهای نگارش قدیم، قرآنت را برای بسیاری از مردم آسان نمی‌کند و چاره‌ای جز تغییر رسم قدیم به رسم الاملا نیست؛ آن رسمی که عموم مردم، که سطح اطلاعات متوسطی دارند، آن را می‌شناسند؛ چرا که باید قرآن مورد استفاده عامه مردم قرار گیرد و این کار باعث محقق شدن هدف نزول این کتاب جاودان که همان هدایت همه مردم تا ابد است، خواهد شد





۱-۲- بعد از همزه‌های که بر روی واو نوشته می‌شود، الف اضافه می‌شود؛ مانند: تفتوا (یوسف: ۸۵).

۱-۳- در کلمات «مائه» (بقره: ۲۶۱)، «ماتین» (انفال: ۶۵)، «الظنون» (احزاب: ۱۰)، «الرسول» (احزاب: ۶۶)، «السبیل» (احزاب: ۶۷) الف اضافه می‌شود.

۲- زیادت یاء:

در کلمات «نبای» (انعام: ۳۴)، «آنای» (طه: ۱۳۰)، «تلقای» (یونس: ۱۵)، «بایبکم» (قلم: ۶)، «بایبید» (ذاریات: ۴۷) یاء اضافه می‌شود.

۳- زیادت واو:

در کلمات «اولوا» (هود: ۱۱۶)، «اولئک» (بقره: ۵)، «ولاء» (آل عمران: ۱۱۹)، «ولات» (طلاق: ۴) واو اضافه می‌شود.

ج - قاعده همزه:

۱- اگر همزه ساکن باشد، بر روی حرف متجانس با حرکت قبلش نوشته می‌شود؛ مانند: «ائین» (توبه: ۴۹)، «اؤتمن» (بقره: ۲۸۳)، «الباساء» (بقره: ۱۷۷) (مکر موارد استثنایی).

۲- همزه متحرک:

۱-۲- اگر همزه متحرک در اول کلمه واقع شود، بر روی الف نوشته می‌شود؛ مانند: «ایوب» (انعام: ۸۴)، «ساصرف» (اعراف: ۱۴۶)، «فبای» (رحمان: ۱۳) (مکر موارد استثنایی).

۲-۲- اگر همزه متحرک در وسط کلمه قرار گیرد، و پیش از آن نیز متحرک باشد، با توجه به حرکت همزه و نیز حرکت حرف پیش از آن، روی حرف متجانس با حرکت قوی‌تر نوشته می‌شود، ترتیب حرکات از قوی به ضعیف چنین است: «کسره، ضمه، فتحه، سکون»؛ مانند: «سال» (معارج: ۱)، «سئل» (بقره: ۱۰۸)، «تقرؤه» (اسراء: ۹۳) (مگر موارد استثنایی).

۲-۳- اگر همزه متحرک در وسط کلمه قرار گیرد و پیش از آن ساکن باشد، بر خلاف قواعد املائی عربی، بدون کرسی و در کنار حرف متحرک پیش از خود نوشته می‌شود مانند: «یسلونک» (بقره: ۲۱۹)، «مسولا» (اسراء: ۳۴) (مگر در موارد استثنایی).

۲-۴- اگر همزه متحرک در آخر کلمه قرار گیرد، بر روی حرف متجانس با حرکت قبلش نوشته می‌شود مانند: «سبأ» (نمل: ۲۲)، «شاطع» (قصص: ۳۰)، «اللؤلؤ» (واقعه: ۳۳) (مگر موارد استثنایی).

۲-۵- اگر همزه متحرک در آخر کلمه قرار گیرد و حرف قبل از آن ساکن باشد، پایه‌اش حذف می‌شود مانند: «ملء» (آل عمران: ۹۱)، «الخبء» (نمل: ۲۵) (مگر موارد استثنایی).

د- قاعده ابدال:

۱- تبدیل الف:

۱-۱- الف در کلمات «الصلوه» (بقره: ۳)، «الزکوه»

برخی معتقدند: هر چند اختلافات در قرائت بعد از رحلت نبی مکرم اسلام (ص) پیش آمده، اما چون قرآن در زمان خلیفه اول یا سوم کتابت و ضبط شده، طوری نگاشته شده است که اختلافات معتبر در قرائت کلمات را شامل گردد و به نحوی این اختلافات را تحمل کند. این فرض صحیح نیست؛ زیرا بر اساس اقوال معتبر، که قبلاً به بخشهایی از آنها اشاره شد، نگارش قرآن کریم در زمان رسول اکرم (ص) بوده است

(لقمان: ۴)، «الحیوه» (قصص: ۷۹) به واو تبدیل می‌شود (مگر در موارد استثنایی).

۱-۲- الف در مواردی که منقلب از یاء باشد، به یاء تبدیل می‌شود؛ مانند: «یتوفیکم» (نحل: ۷۰)، «یاسفی» (یوسف: ۸۴).

۱-۳- الف در کلمات «الی»، «علی»، «انی»، «متی»، «بلی»، «حتی»، «لدی» (به جز در سوره یوسف) به یاء تبدیل می‌شود.

۲- تبدیل نون:

نون تأکید خفیفه در کلمات «لیکونن» (یوسف: ۳۲) و «لنسفن» (علق: ۱۵) به الف تبدیل می‌شود؛ یعنی به صورت: «لیکونا» و «لنسفا».

۳- تبدیل تاء تأنیث به تاء کشیده مفتوحه در کلمات زیر:

۱-۳- «رحمت» (بقره: ۲۱۸)؛ اعراف: ۵۶؛ هود: ۷۳؛ مریم: ۲؛ روم: ۵۰ و زخرف: ۳۲.

۲-۳- «نعمت» (بقره: ۲۳۱)؛ آل عمران: ۱۰۳؛ مائده: ۱۱؛ ابراهیم: ۲۸؛ نحل: ۷۲؛ لقمان: ۳۱؛ فاطر: ۳ و طور: ۲۹.

۳-۳- «لعنت» در عبارت: «لعنت الله» (آل عمران: ۶۱).

۳-۴- «معصیت» (مجادله: ۸ و ۹).

۳-۵- کلمات «شجرت»، «قرت»، «جنت» و «بقیت» در عبارت‌های: «شجرت الزقوم» (دخان: ۴۳)، «قرت عین» (قصص: ۹)، «جنت نعیم» (واقعه: ۸۹) و «بقیت الله» (هود: ۸۶).

۳-۶- کلمه «امرات» در مواردی که به زوجش اضافه شده باشد؛ مانند: «امرات نوح» (تحریم: ۱۰).

ه - قاعده وصل و فصل:

۱- کلمه «ان» به کلمه «لا» متصل می‌شود مگر در



ده موضع؛ مانند: «ان لا تعبدوا» (هود: ۲۶).

۲- کلمه «من» به کلمه «ما» متصل می‌شود مگر در عبارت «من ما ملک» (نساء: ۲۵؛ روم: ۲۸).

۳- کلمه «من» به کلمه «من» همواره متصل می‌شود.

۴- کلمه «عن» به کلمه «ما» متصل می‌شود مگر در «عن ما نهوا عنه» (اعراف: ۱۶۶).

۵- کلمه «ان» به کلمه «ما» متصل می‌شود مگر در «ان ما نرینک» (رعد: ۴۰).

۶- کلمه «ان» به کلمه «ما» همواره متصل می‌شود.

۷- کلمه «کل» به کلمه «ما» متصل می‌شود مگر در چند مورد.

۸- کلمات «نعم» (بقره: ۲۷۱)، «ربما» (حجر: ۲)، «کانما» (انفال: ۶)، «ویکان» (قصص: ۸۲) متصل نوشته می‌شوند.

و - موارد دارای دو قرائت:

اگر کلمه‌ای به دو وجه خوانده شود، به گونه‌ای نوشته می‌شود که هر دو وجه را متحمل شود؛^{۸۳} مثل «ملک» (حمد: ۴) که هم «مالک» و هم «ملک» خوانده می‌شود.

ارتباط رسم‌المصحف و قرائت

مناسب است به اقتضای آخرین قاعده از قواعد رسم، به ارتباط بین رسم و قرائت بپردازیم. آیا بین این دو مقوله رابطه‌ای وجود دارد؟ اگر رابطه‌ای هست، آیا از نوع تأثیر و تأثر است؟ و اگر این گونه است، کدام مؤثر و کدام مؤثرند؟

در پاسخ باید گفت: از ظواهر و اقوال پیشینیان می‌توان چنین نتیجه گرفت که به طور اجمال رابطه‌ای از نوع تأثیر و تأثر بین این دو امر موجود است.

در باب تأثیر رسم بر قرائت به بخشی از اقوال کسانی یکی از قاریان هفت‌گانه مشهور اشاره می‌کنیم.

ابن مجاهد از محمد بن یحیی از خلف نقل می‌کند: «سمعتُ الکسائی یقول: السین فی الصراط اسیر فی کلام العرب، و لکنی اقرا بالصاد اتبع الکتاب؛ الکتاب بالصاد»

«شنیدم کسائی می‌گفت: سین در کلمه «الصراط»^{۸۴} مطابق کلام عرب است، ولی من آن را با صاد می‌خوانم و از متن مصحف که با صاد است پیروی می‌کنم»^{۸۵}

این تنها نمونه‌ای از اقوالی بود که به تأثیر رسم بر قرائت می‌پردازد.

این بیان، بیانگر تأثیر رسم بر قرائت به نحو جزئی از علت محسوب می‌شود و نه علت تامه. به عبارت دیگر، اینکه قاری قرائت خاصی داشته، نه تنها بدین علت است که کلمه این گونه نگاشته شده است؛ بلکه نحوه نگارش در قرائت تأثیر دارد، همچنان که شنیده‌ها، قواعد ادبی،

لغت و موارد همانند آن نیز در قرائت تأثیر داشته‌اند.

حال به خلاف این تأثیر باید اشاره نمود. اگر معتقد به تأثیری از ناحیه قرائت بر رسم باشیم، یکی از دو فرض ذیل را باید پذیرفت:

الف) قرائت قرآن در زمان پیامبر اکرم (ص) دارای اختلافاتی بوده است که ایشان بدون اینکه تلاشی برای رفع آن نموده باشند، به دستور مستقیم یا با سکوت و تقریر ایشان، قرآن طوری نگاشته شده است که آن قرائات در رسم لحاظ شوند.

این فرض با یکی از وظایف اصلی رسالت که «تلاوت و ابلاغ آیات بر مردم و تعلیم صحیح آیات به ایشان است»^{۸۶} در تعارض است؛ چرا که اگر آن حضرت صرفاً به ابلاغ اولیه اکتفا نماید و به اختلاف مردم در آنچه، آن را تبلیغ نموده است، نداشتن باشد، گویی خود، رسالتش را بی‌اثر کرده است. این در حالی است که آن حضرت حتی در خطبه‌ای که در روزهای واپسین حیات شریفشان و در حال بیماری ایراد کردند، کسانی را که بر وی دروغ نسبت می‌دهند را دوزخی معرفی کرده و می‌فرمایند:

«مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ»

«هر کس از روی عمد بر من دروغ بزند، پس جایگاهش پر از آتش است»^{۸۷}

ب) هر چند اختلافات در قرائت بعد از رحلت نبی مکرم اسلام (ص) پیش آمده، اما چون قرآن در زمان خلیفه اول یا سوم کتابت و ضبط شده، طوری نگاشته شده است که اختلافات معتبر در قرائت کلمات را شامل گردد و به نحوی این اختلافات را تحمل کند.

این فرض صحیح نیست؛ زیرا بر اساس اقوال معتبر، که قبلاً به بخشهایی از آنها اشاره شد، نگارش قرآن کریم در زمان رسول اکرم (ص) بوده است.^{۸۸}

نتیجه‌گیری

براساس آنچه مطرح گردید، نگارنده عقیده دارد التزام به رسم المصحف در کتابت قرآن نه تنها امری مستحسن و پسندیده محسوب می‌شود؛ بلکه از لحاظ نظری لازم و به جهت شرایط زمان و حفظ وحدت و یکپارچگی جهان اسلام، مسئله‌ای حیاتی و ضروری است.

امید است با توجه به نظر علما و اندیشمندان عالم اسلام، نظارت جدی و فراگیر بر چاپ قرآن کریم در تمام کشورهای اسلامی صورت گیرد و رعایت رسم المصحف از سوی تمام ناشران و دست‌اندرکاران این امر مورد عنایت قرار گیرد و با عبور از این مرحله، گامی در جهت نزدیک شدن به معارف حیات‌بخش این کلام نورانی برداشته شود.

* پی‌نوشتها و فهرست منابع و مآخذ این نوشتار در دفتر مجله موجود است.

التزام به رسم المصحف در کتابت قرآن نه تنها امری مستحسن و پسندیده محسوب می‌شود؛ بلکه از لحاظ نظری لازم و به جهت شرایط زمان و حفظ وحدت و یکپارچگی جهان اسلام، مسئله‌ای حیاتی و ضروری است

